



**بزرگداشت
۱۰۰ سالگی
مهدی آذر یزدی
در خانه
هنرمندان**

انجمن تصویرگران و شورای کتاب کودک امروز به مناسبت صدمین سال تولد مهدی آذر یزدی نشست «گرامیداشت پدر بزرگ قصه‌های خوب» را در خانه هنرمندان برگزار می‌کند. محمدرضا یوسفی، جمال‌الدین اکرمی، ملیحه سلیمی، کیانوش غریب پور و شادی هاشمی در این نشست به ایراد سخنانی خواهند پرداخت. این برنامه از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۷ بعدازظهر برگزار خواهد شد.



خبر

**حذف پست
کتابدار از
مدارس پسیر
ناراحت‌کننده
است**

مهدی رمضانی، دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور با اشاره به حذف کتابخانه‌ها و پست کتابدار از مدارس گفت: این موضوع بسیار ناراحت‌کننده است؛ درست است که همه ما با کتاب مأنوس هستیم، اما متأسفانه امروز این موضوع به صورت مستقل، منسجم و منظم در مدارس مورد توجه نیست. پیشنهاد اولیه ما ایجاد ساعت کتاب‌خوانی به صورت هفتگی در مدارس است.



■ از خروج آثار تاریخی جلوگیری شد

مرتضی ادیب‌زاده، مدیرکل موزه‌ها و اموال منقول تاریخی با تأیید اینکه «حراج ملی» بدون مجوز از وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی برگزار شده است، از پیگیری و مکاتبه با گمرک و مبادی خروجی کشور برای جلوگیری از خروج آثار تاریخی عرضه شده در این حراجی، از ایران خبر داد.

در حاشیه

«زهره کهندل» در کتاب «فرهنگ علوم سیاسی» در تعریف واژه «لمپن» آمده است: گروه یا اقشار وازده جامعه که معمولاً در حاشیه شهرهای بزرگ جوامع صنعتی زندگی می‌کنند و ارتباط و اتصالشان را با طبقات فعال و مولد جامعه

■ شبکه نمایش خانگی، بازیگران را بلعیده است

حسین کیانی، کارگردان نمایش «پروین» می‌گوید شبکه نمایش خانگی بازیگران را بلعیده و یافتن بازیگر برای اجرای تئاتر، کار دشواری شده است. او همچنین تأکید دارد در نمایشش، زنانگی شخصیت پروین اعصابی برایش اهمیت داشته است. نرگس محمدی نقش پروین را در این نمایش ایفا می‌کند.

■ معرفی دبیر و هیئت انتخاب آثار جشنواره نقالان علوی

کوروش زارعی، مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری با صدور احکام جداگانه مرشد محسن میرزا علی را به عنوان دبیر و اردشیر صالح‌پور و محمدرضا معجونی را به عنوان اعضای هیئت انتخاب آثار پنججین جشنواره نقالی و پرده‌خوانی غدیر منصوب کرد. این جشنواره از ۲۴ تا ۳۱ تیر برگزار می‌شود.

چاقوکشان حرفه‌ای، اوباش، ولگردان، روسپیان و چنانپیکاران با جکیر خرده‌پا و نظایر آن را به اصطلاح در زمره این افراد به حساب می‌آورند. با چنین تعریفی از لمپن‌ها، می‌توان گفت آثار دهه اخیر سینمای ایران و به تبع آن سریال‌های

زاویه دید

نگاهی به دلایل استقبال مخاطبان از سریال «یاغی»

قهرمان عامه‌پسند

کهندل ویژگی‌های شخصیتی جاوید، قهرمان سریال «یاغی» بدلی از قهرمان‌های تئپیکال فیلمفارسی دهه ۵۰ است، جوان فقیری که زندگی سختی را پشت سر گذاشته اما با مراد است و خوش‌مشرب، ظلم‌ستیز است و دل‌رحم، عاشق پیشه است و ساده‌دل، زودباور است و احساساتی. سریال یاغی که تا اینجای کار از قواعد گیشه‌پسند بودن پیروی کرده، بلد است که چطور مخاطب را در هر قسمت با قصه‌اش همراه کند. محمد کارت، کارگردان جوان این سریال، دست روی سوزهای برخاسته از واقعیت گذاشته و قهرمان عامه‌پسند خود را در همان فضای خلاف و بزکامی پرورش داده است، قهرمانی که در محیط ناسالمی از حاشیه شهر بزرگ شده و با ورود یک مرد متمول به زندگی‌اش در مسیر دیگری قرار می‌گیرد. «بهمن» که در سبز ثروت و قدرت را به «جاوید» نشان می‌دهد بنا دارد این جوان سر به راه را به یکی از موجب‌بگیرانش بدل کند. علی‌شادمان، طنزآطبایایی، مهدی حسینی‌نیا، معلقا‌باقری و آبان عسگری بازیگرانی هستند که در فیلم سینمایی «شنای پروانه» با محمد کارت همکاری داشتند و اکنون در نقش‌های متفاوتی ظاهر شده‌اند. امیر جعفری، پارسا پیروفر، عباس جمشیدی‌فر و چند بازیگر جدید هم به یاغی اضافه شده‌اند تا با ایفای نقش‌های متفاوت در ذهن مخاطب ماندگار شوند. امیر جعفری و عباس جمشیدی‌فر شخصیت‌های ویژه و بازی‌های خوبی دارند و پارسا پیروفر هم با وجود اینکه نقش آفرینی متفاوتی ندارد اما نامش در فهرست بازیگران سبب جلب‌نظر طرفداران این بازیگر به سریال شده است. بازی علی‌شادمان در نقش اصلی اما بازی متفاوت و خوبی است که مورد توجه مخاطبان قرار گرفته است. بازیگر جوانی که توانایی‌هایش را در فیلم شنای پروانه نشان داد و چنان خوب در نقش کوتاه «اشکان خروس» نشست که کارت روی توانایی بازیگری او برای سریالش هم حساب باز کرد. او از پس نقش «جاوید» برآمده و در ظاهر نوجوانی دلدزد، ساده‌دل و عاشق‌پیشه به خوبی ظاهر شده است. قهرمانی که نه سیاه است و نه سفید، نه بی‌گناه است و نه پرخشا، نه فرشته است نه شیطان، آدم دردکشیده و امیدواری است که برای رسیدن به رویاهایش می‌جنگد، چنین شمایی از «قهرمان» مورد پسند عامه است، از آن جنس قهرمان‌های عامه‌پسندی که در فانتزی عموم مردم وجود دارد و دست‌مايه نوشتن کتاب‌ها و ساخت فیلم‌های بسیاری شده است. این سریال علاوه بر سوار شدن روی موج اتفاق‌های غیر قابل‌پیش‌بینی در پایان هر قسمت، به‌شخصیت‌های مکمل و فرعی هم نزدیک شده و علاوه بر شفاف کردن نسبتشان با نقش اصلی، وارد افکار، اهداف و عادات این کاراکترها می‌شود که قصه هر کدام از آن‌ها به پیشبرد ماجرا و جذابیت سریال کمک می‌کند.

یاغی تا اینجای کار با الگوی فیلمفارسی پیش رفته و کشوکی از لات‌بازی و عشق و عاشقی و اتفاقات تصادفی است، باید منتظر ماند و دید محمد کارت تا کجا در بند این الگویی ماند و در قسمت‌های آینده، ورق جدیدی را رو می‌کند. اگرچه با اضافه شدن گرهِ‌های تازه به قصه در قسمت‌های اخیر، مخاطب را در انتظار اتفاق‌های غیرمنتظره دیگری نگه داشته است.



درباره دومین ساخته محمد کارت

«یاغی»؛ خوش‌ساخت اما یک‌جانبه



کارت گرچه در یاغی هم مانند شنای پروانه تصویری آشنا از زندگی، تلخی‌ها و شیرینی‌های مناسبات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فرودستان و پابره‌نه‌ها ارائه می‌کند و چنین فضایی را بستر و ظرف تعریف داستان‌های خود قرار می‌دهد و می‌کوشد از همت کسانی

داستانی پرکشش، شخصیت پردازی‌های قابل‌باور، نمایش درست و تأثیرگذار زندگی‌ها، تپاهی‌ها و انسان‌های به بن‌بست رسیده، قطب‌بندی کاراکترهای مثبت، منفی و خاکستری، فضا‌سازی‌های شبه واقع‌نما و کارگردانی متفکرانه و حرفه‌ای است.

جبار آذین ، منتقد

کارت، سینماگر مستعد و کاربردی است که فیلم قابل تأمل و تلخ «شنای پروانه» را ساخت و با وجود سینه‌زنی زیر پلاکارت مافیا و نمایش سیاهی‌های جاری در میان طبقات فرودست و جنوب شهری‌ها، به دلیل شناخت و تسلط بر ابزار سینما و ساختار هنری مقبول، مورد توجه قرار گرفت. کارت این بار با سریال خوش‌ساختار و سیاه «یاغی» برخلاف فیلم سینمایی خود که فاقد روزنه‌ای برای امید و فردای بهتر بود، با خلق یک شخصیت که در سرزمین خشک فقر مادی و معنوی و یکه‌تازی نادرست‌ها در قالب لمپن‌ها، فقرزده‌ها و ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی و طبقاتی می‌خواهد ضد شرایط بد و سیاه موجود ایستاده و طغیان کند تا شاید به نجات خود و رستگاری دست یابد، حرفی تازه را مطرح می‌کند. سریال «یاغی» دارای فیلم‌نامه خوب و استخوان‌دار، درامی قوی، پردازش مطلوب

■ اشعار عاشورایی علی داوودی در آستانه چاپ

مجموعه شعر عاشورایی با نام «شبیهِ» شامل ۷۲ قطعه شعر نیمایی کوتاه به قلم علی داوودی در آستانه محرم توسط انتشارات شهرستان ادب رونمایی خواهد شد. این مجموعه شامل ۷۲ قطعه شعر کوتاه عاشورایی است که در سبک نیمایی سروده شده و نگاهی به جریان اندیشه عاشورا در زندگی امروز دارد.



کتاب باز

درباره رمان «سالتو»

که مورد اقتباس قرار گرفته است

قدرت بی‌مرز کلمات

خدیجه زمانیان | سریال یاغی بر اساس آنچه در عنوان‌بندی آن نوشته شده، با برداشتی آزاد از رمان «سالتو» ی مهدی افروزم‌نش ساخته شده است. سالتو درباره «سیاوش» (که در سریال به جاوید تغییر نام پیدا کرده) نوجوانی ۱۶ساله است که در جنوب شهر تهران زندگی می‌کند. سیاوش بدون اینکه از داشتن یک باشگاه یا مربی حرفه‌ای بهره‌بردار، در زمینه کشتی بسیار با استعداد است. استعداد او به گونه‌ای است که در رقابت‌های محلی توجه دو فرد غریبه به نام‌های «سیا» و «نادر» را جلب می‌کند و آن‌ها را ترغیب می‌کند سیاوش را تبدیل به یک قهرمان جهانی کنند تا دنیای ساده و کوچک سیاوش با دسیسه و فرصت‌طلبی این دو فرد غریبه به یک دنیای بزرگ، تیره و تاریک تبدیل شود. سالتو دومین کتاب از مهدی افروزم‌نش پس از «تاول» است که توسط نشر چشمه منتشر شده و فضایی مهیج و پُر داستان دارد و توانست با اقتباس ادبی بیشتر دیده شود. افروزم‌نش که علاوه بر نویسندگی سابقه روزنامه‌نگاری هم دارد بر خلاف بسیاری از نویسندگان امروز در هر دو رمانش به طبقه فرودست جامعه توجه نشان داده و به زندگی این طبقه پرداخته است. از این نظر هر دو اثر او را می‌توان در ژانر نوآر دسته‌بندی کرد؛ ژانری که به اختلاف طبقاتی، زندگی حاشیه‌نشینان و نابرابری‌ها، ناراستی‌ها و تاریکی‌های شهری می‌پردازد. او همچنین در اثرش به انعکاس جنگ و انقلاب و تأثیر این دو واقعه تاریخی بر سرنوشت و زندگی آدم‌ها پرداخته است.

■ شباهت‌های سریال و داستان

دیدن چند قسمت از سریال و تیتراژ ابتدایی نشان می‌دهد کارگردان با برداشتی آزاد از کتاب، داستان تصویری‌اش را نقل می‌کند و زیاد در بند اقتباس نعل به نعل از اثر نیست که دو جهان متفاوت تصویر و کلمه و مسائل انکارناپذیری چون ممیزی، بیش از این را برنمی‌تابد. خواندن سالتو دیدن یاغی همان باور همیشگی را صحنه می‌گذارد که هیچ‌گاه تصویر نمی‌تواند به گرد ادبیات برسد و باز هم ما را به معرکه باور قدرت بی‌نهایت کلمات می‌رساند که چطور دنیای کلمه بیش از هر ابزار و رسانه‌ای می‌تواند مخاطب را تسخیر کند و او را بدون پلک زدن به ادامه داستان فراخواند، اتفاقی که در هیچ فیلم اقتباسی رخ نمی‌دهد و این برمی‌گردد به دنیای بی‌مرز تخیل که توسط کلمه برای ما خلق می‌شود.

■ ادای دین به کُشتی

چنان که افروزم‌نش گفته برای نوشتن این رمان در خصوص کُشتی تحقیقات زیادی کرده که الحق و الانصاف این تحقیقات و البته تأملات در داستان خوش‌نشسته. اگر چه به گفته او نخواست‌ه زمانی ورزشی بنویسد اما این کتاب بی‌چون و چرامی تواند ادای دینی باشد به کُشتی، کُشتی‌گیر و فنون پربیش این رشته ورزشی. «بیشتر کُشتی‌گیرها فکر می‌کنند زور مهم است، پاهای قوی، بدن تر و فرز و عضله‌هایی که جز از ناخن‌ها و مو باید از هر جای دیگر بدن بیرون زده باشد، فکر می‌کنند سرشانه‌های قرص و محکمی می‌خواهند تا کل پنج دقیقه‌روی سروگردن حریف فشار بیاورند، ضربه‌بزنند و خسته‌اش کنند. خیال می‌کنند قهرمانی یعنی فن‌های عجیب و غریب بلد بودن یا پشتک و ارو زدن روی تشک. اما من از همان اول بدون اینکه کسی گفته باشد و تنها از روی غریزه‌ای ناب و دست‌نخورده، فکر می‌کردم راه اصلی چشم‌هاست. میثم چشم‌های قهوه‌ای درشتی داشت که خیلی زود فهمیدم حرکت بعدی بدنش را الو می‌دهد. بیشتر کُشتی‌گیرها از چشم‌هایشان استفاده می‌کنند تا زمین نخورند، حرف‌شان را به‌بینند و کارهایی انجام بدهند که یک قهرمان‌ساز در سالن‌ها هر تمرینی می‌کند جز تمرین نگاه کردن».

